



اشارات بنیاد فرهنگ ایران

شماره ۱۱۰

## عالم آرای صفوی

از مؤلفی ناشناخته

به کوشش

یدالله شکری

کتاب عالم آرای صفوی اثری ارجمند است که با شیوه ای بسیار ساده و بی‌پیرایه ، به زبان محاوره ، و عبارات و اصطلاحاتی که نقالان بر زبان می‌آوردند نگارش یافته است . مؤلف کتاب شناخته نیست ، اما از قرائن متن کتاب استنباط می‌توان کرد که وی از طبقه عوام شیعه ، و از پیروان و ارادتمندان دودمان شیخ صفی بوده ، و چنین می‌نماید که از مردم آذربایجان یا یکی از شهرهای شمال ایران بوده یا مدتی در آنجا می‌زیسته است . صاحب اثر در آغاز کتاب، از احوال اجداد شاه اسماعیل و سلسله نسب وی سخن گفته و از آن پس به تفصیل بیشتر به ذکر مجاهدات و جنگها و جانبازیهای شاه اسماعیل و معرکه آرائی‌های سران قزلباش و سرداران و سپاهیان شاه پرداخته، ضمناً به مناسبت در باب خانان ترکستان و پادشاهان عثمانی و تیموری خبرهای بدیع و اشارات لطیف آورده است .

مصحح دانشمند کتاب را اعتقاد براینست که : «کمتر کتابی می‌توان یافت که مانند کتاب عالم آرای صفوی ، در بیان مجاهدات و فداکاریها و از جان گذشتگی‌ها و اخلاق و عادات و باورهای مؤسس سلسله صفوی باشد ، ، و خواننده هنگامی که فرمانبرداری محض و همراه به شادمانی و سرخوشی بزرگان و افراد قزلباش را نسبت به شاه ، مطالعه می‌کند ، تداعی معانی را به یاد صدر اسلام و نفوذ فرمانها، و تأثیر اندیشه‌های حضرت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله ، در صحابه و دیگر مسلمانان و جنگاوران عرب می‌افتد .

در این کتاب جا به جا دل‌آوریه‌ها، قهرمانی‌ها، فداکاری‌ها و جانبازی‌های گروه بسیاری

از بزرگان قزلباش چون : نجم زرگر رشتی ، نجم ثانی ، خان محمد خان استجلو و برادرش قرآخان ، حسام بیگ و پدرش بیرام خان قرمانلو ، و بسیار کسان دیگر که اگر آنان نبودند و چنین جانبازیها نمی کردند ، دولت صفوی چندان عظمت و دوام نمی یافت ، به شرح آمده و نیز داستانهای لطیف و دلنشین و عبرت انگیزی در وصف دلیری و سیاست و حسن تدبیر برخی از زنان بزرگ آن زمان چون : خدیجه بیگم همسر سلطان حسین بایقرا ، مقبله خانم همسر شاهی بیگ خان ، و تاجلو بیگم درمیان آمده است .

از خوبیهای دیگر کتاب عالم آرای صفوی این است که خواننده از این جهت که مؤلف جا به جا وقایع تاریخی را به شاخ و برگهای توصیفی و هنرنماییهای عیارانه پهلوانان قزلباش آمیخته از خوانندش دلگیر و ملول نمی شود ؛ و گرچه به کار شدن این شیوه مؤلف را در برخی موارد از مسیر حقیقی وقایع دور کرده و به بی راهه کشانده ، اما این عیب چندان بزرگ نمی نماید و از ارزش کتاب به مقدار زیاد نمی کاهد .

یکی دیگر از محاسن در خور یادآوری کتاب اینست که با اینکه مؤلف از ارادتمندان و سرسپردگان صدیق و راستین دربار بوده از بکار بردن عناوین و القاب دراز دامن و ملال انگیز که خاصه در آن عصر مرسوم و معمول مؤلفان بوده و بدین رسم تفاخر می کرده اند به حد پرهیز نموده حتی درباره شاه اسماعیل قهرمان کتاب ، این شیوه پسندیده را مراعات کرده است .

در این کتاب دلپسند همچنانکه جای جای به اقتضای مقام و موقع از آداب و رسوم و باورهای طبقات مختلف مردم سخن درمیان آمده به القاب و عناوین درباری و پیوستگان حکومتی چون : خانی ، بیگلربیگی ، مین باشی ، قورچی ، یوزباشی ، دیوان بیگی ، - و آئینهای پهلوانان و بسیار دقائق دیگر اشارت شده ، و این همه بی گمان از لحاظ جامعه شناسی و مطالعه در باره مردم آن زمان و شناختن قشرهای اجتماعی متداول آن روزگاران رهنمایی صادق است . مثلاً در آن زمان اگر زیر دستی امان یافته زیردستی می شد رسم بر این بود که از زیر طناب خیمه سرور بختیار بگذرد ؛ و چون امان یافته ماست ، از زیر طناب خیمه خانی بگذرد و مارا کرش کند . رفتند یساولان و گفتند : امر خان است که جهانگیر میرزا بیاید ؛ مارا دیده ، ما اورا ببینیم و از زیر طناب خیمه ما چون امان دادگان بگذرد . « صفحه ۲۶۸ و شمشیر زنان مغلوب بر گشته بخت ، به امید پذیرفته شدن عذر گناه ، و رهایی از مکافات ، شمشیر خویش را به گردن می آویختند ؛ و کیا امیر علی شمشیر در گردن انداخته به درگاه شاه آمد ، با سران سپاه خود ؛ و شاه او را بخشید . « صفحه ۹۵ و ۱۰۷ و ۱۱۰ و بسیار جاهای دیگر .

و میانجی گران به هنگام شفاعت کردن ، سر برهنه می کردند ؛ و حسین بیگ لله را گفتند که مگر تو التماس کنی . او گفت من آن جگر ندارم و می دانم مرا خفیف خواهد کرد و هر کدام را که گفتند همین جواب دادند و بابر پادشاه را خبر کردند . وقتی رسید که ریسمان به گردنش انداخته و رفتند که کرسی از زیر پایش بیرون بکشند که بابر پادشاه رسید . گفت ای نواب به سر عزیز مرشد کامل ترا قسم می دهم که مرا شرمنده مکنی . . . . . تقصیر این

پیرمرد را به بنده ببخشی . چون دید که بابر پادشاه سر برهنه کرده ، شرمنده شد . « صفحه ۳۶۸ و نیز ۳۸۰ - ۴۰۸ و ۴۴۳ و . . . »

افزون بر این خبرها و فایده ها ، در این اثر شیرین بعضی لغات و ترکیبات لطیف وجود دارد که درخور امعان نظر است . از این نمونه است : ایست کردن ( صفحه ۵۲۱ ) به معنی درنگ کردن ، ایستادن - بدنشستن (۳۴۰) : ایجاد رمیدگی و آزردهگی - بی‌دماغ ( صفحه ۵۷۹ ) : خاطر آزرده ، افسرده . دژم - بی‌دماغ شدن ( صفحه ۵۴۱ ) : افکارشدن ، آزرده خاطر شدن (ضد تردماغ شدن) - بی‌دهنی ( صفحه ۴۰۲ ) : بی‌عرضگی ، عدم لیاقت - پاددرازی ( صفحه ۱۵۳ ) : هم معنی و مترادف دست درازی - پکانیدن ( صفحه ۶۷ ، ۱۳۵ ) : آراستن ، آرایش کردن ، زیور کردن ، زینت دادن - توجیه کردن ( صفحه ۲۷۴ ) : سرشکن کردن مال و جریمه - جلدو ( صفحه ۱۵۱ ) : جایزه - جان درازی ( صفحه ۱۷۷ ) : درازی عمر - دوخواستن ( صفحه ۲۷۴ ) : داوطلب شدن ، آماده شدن - روپاک ( ۱۳۴ ) : دستمال ، روسری - روز خون ( صفحه ۱۹۷ ) : مقابل شبخون - ریش داشتن ( صفحه ۲۱۹ ) : عرضه و جوهر ولیاقت داشتن - طبع آزمایشی ( صفحه ۱۳۹ ) : جويا شدن عقیده و نظر کسی رادر بارة کاری و امری - کوفت ( صفحه ۱۷ ) آسیب ، صدمه ، کسالت - کوفناک ( صفحه ۱۸۳ ) : خسته و درمانده .

کتاب عالم‌آرای صفوی را دانشمند ارجمند آقای یدالله شکری از روی دونسخه خطی متعلق به کتابخانه آقای دکتر حسین مفتاح تصحیح فرموده است . ( علاوه بر نسخه‌هایی که در این کتاب بدانها استناد و اشاره شده تحریرهای دیگری نیز از این اثر موجود است . از جمله دونسخه یکی بی‌نام و دیگری به نام مرشد نامه که در کتابخانه مجلس شورای ملی مضبوط است . ) مجموعاً ۷۴۴ صفحه دارد که از این مقدار ۶۰۲ صفحه متن ، ۵۵ صفحه مقدمه و ۸۶ صفحه حواشی و توضیحات و استدراکات و تصحیحات و فهرست هاست و امثال و حکم و لغات و ترکیباتی که در آخر کتاب آمده .

سخن کوتاه ، این کتاب که در سال ۱۰۸۶ تألیف یافته و کارنامه دوران کشورستانی و کشورداری و نامه حماسی شاه اسماعیل ، شه‌ریار با آوازه صفوی است برآستی اثری ارزشمند است و برای دانش پژوهان و محققان مأخذی دقیق و امین و اصیل تواند بود .



## مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی

کتاب فروشی خيام چند سال پيش پنج دوره مجله باد گار را بطور افست تجدید چاپ کرد و خوب کرد. اکنون مجموعه مقالات مرحوم اقبال را که استاد دکتر محمد دبیرسیاقی فراهم آورده بدسترس اهل ادب می گذارد.

در درستی و لطف و شیرینی آثار مرحوم اقبال هر چه بگویند و بنویسند حق سخن را نمی توان ادا کرد. هم ثنا گفتن ز ما ترك نفاست.

این مجموعه مشتمل بر یکصد و یک مقاله است در یک هزار و دوازده صفحه با چاپ و کاغذ و صحافی خوب به قیمت شصت تومان، و لازم است در کتابخانه های عمومی و خصوصی جهان نسخه ای از آن باشد.

مجموع اشعار اقبال و چند مقاله این کتاب از مجله ینما اقتباس شده - مقاله ای دیگر از مرحوم اقبال در سال ۱۳۲۷ مجله است که چون خودش اجازه نداد نامش در سر لوحه آن نیست ( در فهرست همان مجلد هست ).

مقدمه ای هم بر رساله شرح حال ینما نوشته که در این مجموعه نیست و همچنین بعضی از مقالاتی که در مجله دانشکده نوشته.

خداوند تالی اقبال را غریب رحمت کناد و دکتر دبیرسیاقی را موفق داراد و کتابخانه خيام را ازین پیش رونق دهد.

## سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان

تألیف رکن الدین همایون فرخ

این کتاب عظیم متضمن مطالبی تازه و بدیع است که با پژوهش و کنجکاو و مطالعه و تحقیقات ممتد مؤلف دانشمند فراهم آمده، و نویسنده موشکاف حق ایرانی و نژاد آریائی را در پیدایش و ابداع خط با شواهدی متین مسلم داشته است.

اعتراف باید کرد که تألیف چنین کتابی بی نظیر در موضوعی بی سابقه در نهد صفحه بزرگ با تحقیقاتی دقیق، کاری سهل و ساده نیست و مؤلف را باید معلوماتی عمیق و مطالعاتی ممتد باشد تا چنین خدمتی ادبی و ملی را بشایستگی بپایان برد.

باید اشاره کرد که این اثر ارجمند به مناسبت جشن با شکوه دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران انتشار یافته است.

دانشمند محقق رکن الدین همایون فرخ را از انتشار چنین اثری دیرپای تبریک باید گفت.

## یکساعت از ۲۴ ساعت

متضمن داستان‌هایی است به سبک بدیع از کاظم سادات اشکوری، که آن جناب از نویسندگان و منتقدین جوان است با آتیه‌ای بسیار روشن در فن نویسندگی.